

### بسمت حقوق جهانی به پیش

در روزنامه‌های خبری عصر، خبر تشکیل جمعیت طرفدار حکومت جهانی را خواندم. گرچه هنوز از مرام، هدف و عقیده جمعیت مزبور اطلاعی ندارم ولی آنچه که مسلم است هدف آن عالی و کمال مطلوب و علت غائی بشردوستان و متفکرین بزرگ بشردوست جهانی است. این فکر تازگی ندارد، در اعصار قدیم فلاسفه و سیاستمداران و متفکرین زیادی طرفدار آن بوده‌اند.

البته مدتی لازم است که این افکار عالی و عقاید پر ارج از عالم وهم و خیال خارج شود و از قوه بفعل درآید چه آنکه اختلاف آداب - سن - عادات - نژاد - مذهب - زبان - فرهنگ - تمدن - افکار و عقاید و احساسات - ادبیات - حقوق و قوانین - عرف - سابق تاریخی - گذشته تاریخی - موقعیت جغرافیائی - محیط آب و هوا علل و جهات اجتماعی و سیاسی و اقتصادی و طبیعی دیگر مانع از تشکیل حکومت واحد جهانی در تحت لوای واحد و مقررات و قوانین یکسان و سازمان های واحد خواهد بود.

آنچه که محقق است اینست در اثر کثرت روابط بین افراد ملل مختلف جهان و تماس دائم‌التراید مردم گیتی با هم و اختلاط و نشر و شیوع افکار و عقاید و احساسات از طریق رادیو و تلویزیون و مطبوعات و انتقال رسوم و عادات و آداب و خصائل نژادی و فرهنگی از کشوری بکشورهای دیگر و توسعه مکاتبات و مراودات بین افراد ملل و بسط و توسعه روزافزون تعداد سازمانهای بین‌المللی و تشکیل و انعقاد کنفرانسهای بین‌المللی - مختصر روابط فرهنگی و سیاسی و اقتصادی بین ملل جهان افکار و عقاید مردم جهان بیکدیگر نزدیک میشود و فاصله بین آنها کمتر میشود و از میزان تضادها - اختلافات - تنازعات عقاید و افکار نژادی - مذهبی و سیاسی کاسته میشود ولی رسیدن بیک حکومت واحد جهانی آرزویی بیش نخواهد بود مادام که ملت‌ها - سرحدات - مرزهای سیاسی و سازمانهای سیاسی و اقتصادی مختلف بنام حکومت وجود دارند این آرمان تحقق نخواهد پذیرفت. قبل از نیل به هدف باید از رفع علل و جهات اختلافات موجود بین ملل کوشید و اختلافات و تفاوت‌های فاحش مشروحه فوق را از طریق اقدامات بین‌المللی مرتفع ساخت از آنجمله است اختلاف بین حقوق و مقررات و عرف و عادات بین ملل.

در وضع حاضر هر کشوری مقررات خاص و قوانین مخصوص بخود دارد که مسئله تعارض توزین و حکومت قوانین ملی را فراهم کرده است و یکی از مشکلات و موانع حسن تفاهم و حسن ارتباط بین کشورهاست. هر حکومت مستقل مانع از اجرای احکام و مقررات سایر کشورها در قلمرو

حکومت خود ( مگر طبق رعایت اصل معامله متقابله یا در حدود عهود و قراردادهای ) میباشد . باید در بادی امر مثلا موجبات توحید حقوق و قوانین ملل مختلف در خدمت فرهنگ عمومی جهانیان را فراهم کرد . گرچه بشر در این راه توفیق زیادی حاصل نموده است درباره ای مقررات قانون تجارت و قانون دریائی و حقوق بین المللی عمومی پیشرفتهائی نصیب عالم بشریت شده و قوانین و مقررات متحدالشکلی که حاکم بر مقدرات اغلب کشورهاست وضع و تدوین شده است و روز بروز بر دامنه این وحدت حقوق افزوده میشود ولی باز اختلافات مقررات و قوانین بعدی است که لطمات جبران ناپذیری بحسن ارتباط و تفاهم کشورها وارد نموده و دارد مینماید و جادارد که کلیه حقوقدانان و بشر دوستان جهانی دور هم گرد آیند و بطرف یکسان کردن حقوق پیش بروند - این کار باید مقدم بسایر کارها باشد - وحدت قوانین و یکسان کردن حقوق و مقررات موجبات تشکیل حکومت واحد جهانی را تعیین مینماید .

بهمین علت ، در این مقاله در اطراف یکسان کردن حقوق و مقررات ملل بعبارت دیگر درباره حقوق جهانی و عمومی صحبت میکنیم . البته این فکر و عقیده بما تعلق ندارد و از آثار و تراوشات مغزی ما نیست . در این مقاله بخصوص از آثار آقای جورجیو دل و چیو رئیس اسبق دانشگاه رم که از بزرگترین دانشمندان حقوق جهانی و مقام شامخ بین المللی دارد استفاده کرده ایم . دانشمند شهیر مزبور از طرفداران جدی حقوق عام جهانی است . در یکی از آثار خود که در سال ۱۹۵۹ منتشر نموده چنین مینویسد :

« حقوق دان بزرگ ژاپنی کوتاروتانکا Kotaro Tanka

که از استادان بنام دانشگاه توکیو و رئیس دیوانعالی کشور ژاپن است « در طی مقالاتی که منتشر نموده از عقیده « حقوق جهانی » طرفداری کرده است . »

« گرچه هنوز تمام آثار و نوشته های این دانشمند عالیمقام بالسنه اروپائی منتشر نشده است مع الوصف در اروپا و بخصوص در ایتالیا بنحو تفکر این دانشمند بزرگوار آشنائی داشته و بی اندازه نسبت بعقاید و افکار پرازش او احترام قائل میشوند . یکی از مقالات این دانشمند در مجله فلسفی بین المللی ایتالیا منتشر شده و انجمن فلسفه و حقوق ایتالیا دانشمند عالیمقام ژاپن را بعضویت افتخاری خود پذیرفته است . »

« تز و عقیده دانشمند مورد بحث درباره حقوق جهانی در ایتالیا با حسن استقبال مواجه شده است و جز این انتظار نمیرفت چه آنکه عقیده مورد بحث کاملا با فلسفه حقوق در ایتالیا هم آهنگی دارد و ریشه این افکار در عقاید و افکار فلاسفه یونان و رم وجود دارد که تدریجا در اثر توسعه افکار مسیحیت نضح و قوام کافی گرفته است دانشمند عالیمقام ایتالیائی در جای دیگر مینویسد : که تقریبا در کتابی که در نیم قرن پیش انتشار دادم درباره وحدت تدریجی حقوق ملل جهان یاد آور شده که حقوق و تاسیسات ملل را باید تدریجا طوری رهنمون کرد که در طبقه فوقانی و در محیطی بالاتر از حقوق خاص ملل ، سازمان کامل و وسیعی بوجود آید که

اساس آن متکی به شرائط وجودی بشریت و انسانیت باشد. این عقیده طرفداران زیادی بین فلاسفه و علمای حقوق از مکاتب مختلف و ملل متنوع داشته است ازینرو دانشمند ایتالیائی مزبور در آثار خود بافکار مشابه و یکسان متفکرین که در ادوار و اعصار مختلف تاریخی در کشورهای مختلف میزیسته‌اند اشاره کرده است. اغلب بین افکار و عقاید مزبور تشابه و تجانس غریبی وجود داشته است افکار مورد بحث طوری جهانگیر شده است که از اقصی نقاط دنیا مثل ژاپن بما منتقل میشود. گرچه وجود افکار و عقاید مزبور در بین متقدمین از ارزش وجودی افکار و عقاید پروفوسور تانکا ژاپنی نخواهد کاست مضافا آنکه افکار پروفوسور مزبور منعک از افکار و عقاید قنعا توسعه و بسط لازم را پیدا نموده است بی‌مناسبت نیست که به تاریخچه عقاید و افکار مربوط بحقوق جهانی بپردازیم. البته بعنوان مثال بذکر تعدادی از آن خواهیم پرداخت. اغلب این افکار جنبه خیال و توهم داشته و آرمان و آرزویی بیش نیست و نمی‌تواند بمنصه ظهور درآید.

در نزد بعضی از فلاسفه عقیده جهانی و حکومت قانون واحد جهانی وجود داشته است. عقاید این دسته از فلاسفه تاثیر بسزائی در روی افکار علمای حقوق رومی نموده است بطوریکه فکر تشکیل حقوق و قوانین متحدالشکل و واحد برای جمیع ملل جهان بوجود آمد و باین مطلب «سیسرون» نیز اشاره کرده است و مذهب مسیحیت نیز از آن الهام گرفته است فرضیه سیاسی دانت نیز لزوم تاسیس حکومت واحدی مافوق حکومت ملی را بمنظور توسعه و تکامل و پیشرفت مذهب جهانی برای بشر متذکر میشود.

دو قرن بعد حقوقدان عالمقام و بزرگ اسپانیولی بنام «فرانسیسکو دو ویتوریا» حقوق عام بین دولتها را پیش‌بینی و طراحی نمود و پس از آن ویکو در فلسفه تاریخ اشاره باین اصل نمود که حقوق و قوانین شهرهای مختلف باید بشکل حقوق طبیعی ملل متحد درآید و مبتنی بر حقوق مسلمه بشریت باشد.

امانوئل کانت هم ب فکر حقوق جهانی و عالمگیر افتاد و آنرا برای پیشرفت و ترقی و تعالی بشریت لازم میدانست.

در قرن نوزدهم کارلو کاتانو نیز تأیید نمود که یک نوع نیروی اخلاقی تمام ملل جهان را بطرف اجتماع واحد و جهانگیر که مبتنی بر حقوق جهانی باشد رهنمون مینماید و این اصل مهم مورد مطالعه خاص و دقیق عده‌ای مورخین و علمای حقوق قرار گرفت.

مسئله گرایش حقوق بسمت موازین و اصول مسلم بشریت باعث میشود که موسسات مختلف و سازمانهای حقوقی داخلی بطرف اصول و حقائق یکسان و مشابه راهنمایی میشوند بعبارت دیگر کلیه این حقوق در اصول و فلسفه حقوق با هم مشابه و متحدالشکل شده‌اند مثلاً آزادیهای فردی - حقوقی - و اجتماعی و سیاسی هر قدر متنوع و مختلف باشند تقریبا و تدریجا در تمام تاسیسات مختلف کشورها و ملل مختلف وارد

شده و گنجانیده شده است. هر اندازه که اختلافات و تفاوت‌های تاریخی بین این ملل وجود داشته باشد مع الوصف مزایای اجتماعی و سیاسی مزبور پذیرفته شده است چه آنکه این آزادیهای فردی روی اصل وجدان — حق و عدالت و نصفت مبتنی است. تاسیسات حقوقی ملی جنبه جامعیت و عامیت بخود میگیرند در اثر تکامل و تطورات حقوقی — مسئله محدودیت حمایت حقوقی منحصر از کسانی که بیک دسته یا طبقه خاصی تعلق دارد از بین میرود. مثلا کلیه ملل جهان باین اصل رسیده‌اند که خارجیان مقیم یک کشور نیز باید از حقوق متمتع شوند. از طرفی تعمیم و اشاعه تاسیسات حقوقی جدید و غلبه قوانین، بر عادات و آداب محلی موجبات یکسان شدن قوانین و تساوی حقوق را فراهم کرده است حتی در کشورهایی که عادات و آداب و حقوق و مقررات متعارف و غیر مدون حکومت میکرده تدریجا مجموعه‌های قوانین مدونه تدوین و تشریح شده است و در محیط بین‌المللی محیط حقوقی وسیعتری بوجود آمده که خصومات و اختلافات را از بین برده و و میبرد و تجربه نشان داده است که حتی در حقوق خصوصی میتوان مسائل مختلف متنازع‌فیه را مشابه و یکسان نمود و این امر بسیار مایه امیدواری است. هر قدر تکامل بشر بیشتر شود تشابه حقوق بین آنها بیشتر خواهد شد و بهتر یکدیگر را خواهند فهمید و خواهند شناخت. پس سعی کنیم که تعارض بین قوانین ملی کشورها را از بین ببریم و قوانین آنها را یکسان و یکنواخت بسازیم و همه آنها را در تحت مقررات یکسان بین‌المللی قرار دهیم و حکومت قانون واحد جهانی را مستقر سازیم تا بتوانیم صلح و آرامش عمومی و رفاه عمومی ملل جهان و امنیت اجتماعی آنها کمک بنمائیم. نباید فراموش کرد که دولت جدید امروزی یک سازمان و تشکیلات حقوقی و تاریخی است که از واحدهای سیاسی ادوار گذشته متمایز و مجزاست و با آنها تفاوت فاحش دارد مثلا بین دولت جدید و واحدهای سیاسی یونان Polis و کمون Commune ما فرق بین وجود دارد اصل آزادی عقاید و افکار و وجدان در جوامع و دولتهای امروزی اصل همزیستی مسالمت‌آمیز افراد را با وجود مذاهب و عقاید مختلف برقرار نموده است بطوریکه در جوامع امروزی جنگهای مذهبی بکلی رخت بر بسته است. از طرفی مسئله تشکیل دولت واحد و متمرکز باعث از بین رفتن جنگها و منازعات بین واحدهای کوچک سیاسی و دولتهای جزء داخلی که وجود آنها وجه امتیاز ادوار گذشته تاریخی بود شده است.

همانطوریکه میدانیم در چند قرن پیش در اروپا جنگها بین شهرها معمول و متداول بوده است در صورتیکه فعلا جنگهای بین شهرستانها وجود ندارد و معمولا جنگها بین کشورهای مختلف است و پیش‌بینی این تحول و تغییر در گذشته و اعصار پیش غیر ممکن و تحقق آن جزء آمال و آرزوها بوده است.

امروز در روابط متقابل بین دولتها تمایل بیشتری بطرف وحدت و اتحاد حقوق وجود دارد. البته مقداری این تحول مرهون و معلول تجارت بین‌المللی است که ب فکر ایجاد حقوق جامع و عام کمک میکند

و باعث میشود که بین ملتها روابط بیشتری برقرار شود و موجب آن میشود که بین آنها قوانین و مقررات و عادات متحدالشکل بوجود آید. چنانچه در سطح بالاتر از اقتصادیات مختلف ملی و وطنی یکنوع اقتصاد جهانی بوجود آمده که از منافع فردی و از حدود صنایع ملی تجاوز نموده و از مرزهای کشورها عبور کرد و بین ملل جهان یکنوع تشریک مساعی و همکاری لازم برقرار میسازد. کما اینکه مافوق قوانین خاص ملل تدریجاً یکنوع حقوق جهانی بوجود میآید که تا اندازه ای عقاید فلسفی جهانی عده ای از فلاسفه لباس عمل بخود می پوشد. مثلاً یکسان شدن واحد اوزان و مقیاسات در اغلب کشورها که قبلاً نوعی آرزو بوده و بمبادلات تجاری بین آنها کمک فراوانی نموده است قدم موثری بطرف توحید و یکسان کردن قواعد و مقرراتی است که حاکم بر عملیات بشر میباشد.

از آنجمله قراردادهای و عهود بین المللی از قبیل قرارداد مربوط بحمایت اموال اشخاص بیطرف هنگام جنگ یا مقررات مربوط بتحریم بعضی از ادوات و آلات جنگی یا قوانین و قراردادهای مربوط بحمایت مالکیت صنفی و ادبی و هنری و نظائر و امثال آن که تعداد آن بسیار است همه اینها نمونه هایی هستند از اقدامات و عملیاتی که در جهت یکسان کردن قوانین و توحید مقررات برداشته شده است و روز بروز بر میزان این فعالیتهای بین المللی افزوده میشود. با وجود اغتشاشات و بی نظمی های ناشی از دو جنگ جهانی مع الوصف میل بطرف حقوق جهانی دائم التزاید و روز افزون است.

قراردادهای منعقدہ بین کشورهای مختلف اغلب جنبه جامعیت بخود گرفته است و موجبات تاسیس موسسات بین المللی را فراهم کرده است.

بزرگترین موسسات جهانی موجود سازمان ملل متحد میباشد که در راه وحدت حقوقی بشریت مساعی جمیله معمول داشته و گامهای مفید و موثری برداشته است نظر سازمان ملل آنست که در آغوش باز خود کلیه ملل جهانی را که اصول آنرا پذیرفته باشند بپذیرد در مقابل تعهداتی که بعهده اعضاء سازمان ملل قرار گرفته عبارتست از احترام حقوق مسلم و آزادی بشریت بمنظور تامین صلح جهانی و همکاری های بین المللی. اگر سازمان ملل متحد در این راه توفیقی زیاد حاصل ننموده بعقیده عالم حقوق ایتالیائی مزبور معلول نقائص و معایب سازمانی و نحوه ترکیب آنست. امید میرود که نقائص مزبور تدریجاً مرتفع شود تا سازمان بتواند در راه اجرای برنامه و منویات خود قدمهای موثرتری بردارد و آرزوی بشردوستان و طرفداران صلح توفیق بیشتر موسسه بین المللی مزبور در راه استقرار صلح و امنیت جهانی و اجرای مفاد اساسنامه خود برقراری نظم و انتظام جهانی و عدالت و رفاهیت عمومی و تامین آزادیها است.

پایان